

## نفت بشکه ای ۱۱۵ دلار و فقر صاحبان آن در ایران

جنجال تبلیغاتی در داخل کشور خبری از سر و سامان یافتن ایران نمیدهد. بخشی از درآمد سرشار نفت آنچنان که حکومت بارها اعلام کرده است به کشورهای لبنان و سوریه و ونزوئلا و نیکاراگوئه اهداء میشود و از این بخشش عراق نیز اخیراً بی نصیب نمانده است. فاصله طبقاتی در ایران روز بروز افزوده میشود. اقتصاد بیمار ایران خبر از آینده تاریکتری میدهد. اکثریت عظیمی از مردم ایران در تلاش زنده بودن هستند نه زندگی کردن که زندگی برای آنان با مفهوم زنده بودن برابر شده است.

کارشناسان اقتصادی جهان سال ۸۷ را برای جمهوری اسلامی سال آشکار شکست اقتصادی میدانند که حکایت از ناتوانی حکومت در کاهش تورم و گرانیست و وضع اقتصادی کم درآمدهای جامعه وخیم تر خواهد شد و نارضایتی مردم افزایش مییابد.

وزیر اقتصاد اعلام کرد: ( دولت در زمینه مهار تورم به اهداف خود نرسید و سال ۱۳۸۶ تورم چهار تا پنج درصد بالاتر از سال قبل بوده است ). شاید این اعتراف صریح در شکست اقتصادی گوشه ای از دلایل برکناری او در بیستم فروردینماه ۸۷ باشد.

رئیس بانک مرکزی هم در اسفند ۸۶ اقرار میکند که: بعلت نبود زیر ساختهای اقتصادی درآمد هنگفت دولت در جایی که باید سرمایه گذاری نمیشود و این مسئله موجب آنست که بجای ورود سرمایه به کشور که موجب شکوفائی است نرخ تورم را بالا ببرد. سیاست و

اقتصاد علوم شناخته شده ای هستند که برای مصالح ملی هر کشور باید بکار آید. علوم را بی فایده انگاشتن و نظریات متخصصان را نادیده گرفتن همانست که بر سر اقتصاد کشور ما آمده است و ارمغان آن فقر و تنگدستی قشرهای وسیع جامعه است.

در سرزمینی که آزادیهای فردی و اجتماعی توسط دولتمردان نادیده گرفته شده و دارای اقتصادی بیمار است و سیاستهای نادرست داخلی و خارجی که با منافع ملی آن در تعارض است از سوی صاحبان قدرت اعمال میشود نمیتوان در انتظار آینده ای روشن بود.

فقر و نابسامانی میهن ما را دربر گرفته است. برنامه های نادرست اقتصادی حکومتگران برای همه صاحب نظران هوداست. گرانی در روزهای آغازین سال ۸۷ بیش از پیش مردم تحت ستم ما را میازارد. در اواخر سال گذشته مسئولین اقتصادی حکومت گفتند که خط فقر در شهرهای ایران درآمد ماهانه ششصد هزار تومانی است. در بودجه سال ۸۷ با افزایش مبلغ ناچیزی به حقوق ماهانه کارگران آنها به حدود دویست و بیست هزار تومان رسانده اند و با نگاهی به درآمد طبقات متوسط جامعه چون معلمان و کامندان ملاحظه میشود که همه آنان نیز زیر خط فقر به سختی روزگار میگذرانند.

بر اساس گزارش صندوق جهانی پول ایران پیشتاز تورم در خاورمیانه است و بیش بینی میشود تورم در سال جاری بالاترین میزان در میان ۱۴ کشور منطقه و پنجمین نرخ تورم بالا در میان ۱۸۳ کشور جهان خواهد بود. کمترین تورم در خاور میانه متعلق به بحرین با نرخ ۳/۳٪ است و زاین در میان ۱۸۳ کشور جهان کمترین نرخ تورم ۰/۶٪ را داراست و با نرخی که با توجه به سبد کالای ایران اعلام شده ۲۰/۷ درصد نرخ تورم ایران است در حالیکه اقتصاددانان آنها بیس از ۳۰ درصد محاسبه میکنند.

درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۸۶ حدود هشتاد میلیارد دلار بوده است. مردم ایران از چگونگی مصرف این درآمد سرشار بی خبر است. نبود آزادی قلم و مطبوعات امکان نمیدهد که افکار عمومی پرسش خود را در سطح جامعه مطرح سازد. میگویند مجلس بر ذخیره ارزی حاصله از افزایش قیمت نفت باید نظارت کند ولی مطالعه خبرهای مجلس چنین نظارتی را تایید نمیکند و اگر یکی از راه یافتگان به مجلس شورای اسلامی سنوالی کند دهها اتهام او را از کرده خود پشیمان میکند. در مطبوعات دولتی آمده است که وزارت آموزش و پرورش از اینکه هزینه سرانه دانش آموزان که سالی پانزده هزار تومان است را به حساب وزارتخانه مذکور واریز نشده در شکایت است؟! این مبلغ باید در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بین مدارس سراسر کشور توزیع میشد که گوشه ای از مخارج مدرسه های ایران در تامین وسائل آموزشی و بهبود شرایط آموزش است.

روز بیستم فروردین را جشن پیروزی هسته ای اعلام کردند و در مدارس که روز بروز ویرانتر میشود زنگ انرژی هسته ای نواختند. شاید این زنگ صدایی بود که یکی از چاههایی که سیل درآمد نفت در آن بدون هر گونه کنترلی از سوی نمایندگان واقعی و برگزیده ملت ایران ریخته میشود را بشناسیم. دستیابی به انرژی هسته ای در کشورهای کره شمالی، پاکستان، قزاقستان و دیگر کشورهای غیر دموکراتیک جز تحمیلی بر اقتصاد آنان ثمری نداشته است و تلاش صاحبان قدرت در ایران نیز جز انزوای سیاسی در سیاست خارجی و

### همسر دکتر فاطمی به آرمانهای آن بزرگمرد جفا کرد

آنطور که در رسانه های عمومی انعکاس داده شد همسر شادروان دکتر سید حسین فاطمی شهید بزرگ نهضت ملی ایران در روز یکشنبه ۱۸ فروردین ماه ۸۷ با رئیس جمهوری حکومت اسلامی آقای احمدی نژاد ملاقات نموده و دفترچه خاطرات روزانه آن قهرمان ملی را به نامبرده اهدا و در ضمن سخنانی در تعریف و تمجید از رئیس جمهوری بر زبان رانده است. هنوز از علت این ملاقات و چگونگی ترتیب یافتن آن اطلاعی در دست نیست ولی همانگونه که اغلب علاقمندان و طرفداران نهضت ملی ایران آگاهند پس از کودتای منحوس ۲۸ مرداد ۳۲ خانم پریش سبطوی همسر دکتر فاطمی با تنها فرزندش (( علی فاطمی )) که حدود دو سال سن داشت به انگلستان مهاجرت نمود و از آن پس طی این پنجاه و پنج سال هیچگاه یک موضع گیری و تحرک سیاسی از ایشان دیده و شنیده نشده بود و اکنون این سوال مطرح است که پس از سکوت پنجاه و چند ساله شان نزول این حرکت و این بیان چه بوده است؟

دکتر سید حسین فاطمی شهید ارجمند جبهه ملی ایران در طول زندگی کوتاه و ۳۷ ساله خود در اثر ایستادگی بر روی آرمانها و اعتقاداتش سه بار در خون در غلتید. بار اول در روز ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ هنگامیکه در سالگرد دوست همفکر خود روزنامه نگار مبارز محمد مسعود در سر مزار وی مشغول سخنرانی بود مورد اصابت گلوله هائی قرار گرفت که از طپانچه جوان ۱۶ ساله ای بنام محمد عبد خدائی عضو جمعیت فدائیان اسلام شلیک گردید. بار دوم چند ماه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در روز ۶ اسفند ۱۳۳۲ وقتی در مخفیگاه خود دستگیر شد در حالیکه ظاهراً تحت بازداشت و حفاظت نیروهای مسلح قرار داشت در مقابل شهربانی کل کشور چاقو کشان حرفه ای و دار و دسته شعبان بی مخ به اشاره شاه تحت عنوان تظاهرات مردمی بر سر آن بزرگمرد ریختند و بدن او را کارد آژین کردند که اگر در آن لحظه خواهر فداکارش که با شنیدن خبر بازداشت او از رادیو خود را به جلو شهربانی رسانیده بود خود را سیر بدن دکتر فاطمی قرار نداده و سیزده ضربه کارد را تحمل نمیکرد در همان ماجرا دکتر فاطمی را قبل از بیدادگاه نظامی کشته بودند و بالاخره مرتبه سوم در سپیده دم ۱۹ آبان ۱۳۳۳ دژخیمان پیکر مجروح و تب دار دکتر فاطمی را با برانکارد به میدان تیر باران آورده و بجوخه اعدام سپردند. آنچه مسلم است دکتر سید حسین فاطمی با اینکه در خانواده مذهبی پرورش یافته و پدرش یک شخصیت روحانی بود نه تنها به حکومت دینی اعتقاد نداشت بلکه فردی معتقد به جدائی دین از حکومت و طرفدار سکولاریسم بود. او بشدت به موازین دموکراسی و آزادی مطبوعات پایبند بود. او به تشکیل احزاب آزادیخواه بعنوان پایه های اصلی دموکراسی اعتقاد داشت و پیشنهاد تاسیس سازمان جبهه ملی از طرف او بود و به دلیل همین عقاید بود که بوسیله جمعیت فدائیان اسلام که معتقد به حکومت دینی است ترور گردید. خانم فاطمی حداقل این را میدانست که دکتر حسین فاطمی در آخرین لحظات حیات و در پای چوبه اعدام وقتی آخرین خواسته اش را میبرسند او اظهار میدارد که تنها خواسته اش دیداری مجدد با دکتر

مصدق است. دکتر مصدق تا سال ۱۳۴۵ یعنی تا ۱۲ سال پس از اعدام دکتر فاطمی در قید حیات بود و با اینکه در احمد آباد تحت نظر و محاصره قرار داشت ولی دسترسی به وی و رد و بدل نامه با او از طریق افراد خانواده اش میسر بود چنانکه در طی آن سالها صدها مورد ارتباط از طرف همکاران و مریدان آن ابرمرد با ایشان گرفته شد چطور است که خانم فاطمی دفتر خاطرات وی را به دکتر مصدق رهبر نهضت ملی و پیشوا و مراد دکتر فاطمی واگذار نکرد. صرفنظر از شخص دکتر مصدق عده زیادی از همزمان و همفکران دکتر فاطمی مانند الهیار صالح، دکتر سنجابی، دکتر آذر، مهندس حسینی، مهندس زیرک زاده، مهندس حق شناس، آیت الله زنجانی و دیگران طی این سالها میتوانستند مورد مراجعه خانم فاطمی قرار گرفته و این یادداشتهای ارزشمند دکتر فاطمی میتوانست به هر یک از اینان داده شود مضافاً بر این در حال حاضر هم یاران دکتر فاطمی در جبهه ملی در سازمانی که او پیشنهاد تاسیسش را داد میتوانستند دریافت کننده این یادگار گرانبهای دکتر فاطمی باشند و نه رئیس جمهور دولت اسلامی که هم از نظر فکری و هیچگونه آشنائی نداشته بلکه در جهت کاملاً متفاوت و حتی متضاد با او قرار دارد.

### تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی و واقعیت‌های موجود

دولت جمهوری اسلامی که با شعار کمک و خدمت به مستضعفان ایران و جهان بوجود آمد، مدعی است ثبات و اقتدار لازم برای مقابله با زورگویی های قدرتمندان را داراست، لذا هر زمان اراده کند افراد پشتیبان را میتواند برای فداکاری و حمایت از دولت و اهداف آن فرا بخواند.

در وصف اوضاع کشور، این سطور در شرایطی نوشته میشود که قسمتی از معضلات داخلی و جهانی هیات حاکمه را تحت عناوین زیر میتوان خلاصه کرد:

- در وعده های انتخاباتی و بعد از انتخاب اعجاب انگیز آقای رئیس جمهور به این مقام قرار بود نفت را بر سر سفره ی خالی اکثریت عظیم ملت بیاورند و مشکلات آنها را دریابند اما هنوز سفره های خالی و صاحبان آنها در انتظاری جانگناه چشم به در دوخته اند و تنها بوی بد نفت را استشمام میکنند تا چند نشینند و خواجه کی بدر آید! اگر نصیب ایرانی از نعمت و ثروت نفت در بیش از ربع قرن اخیر، چنین بوده در عوض انگشت شماری دولتهای مفلوک و دولتهای متمکن و قدرتمند هر یک بنحوی از این طلای سیاه و خوان گسترده برخوردار گشته اند که بالاتر از آن حاتم بخشی و خاصه خرجی ها در تاریخ بیاد ندارد. ظاهراً کسی از حاکمان تامل نمیکند که ثروت خدادادی نفت تنها به نسل کنونی اختصاص نداشته به آیندگان نیز تعلق دارد و این ارثیه بزرگ را نباید بی ملاحظات دقیق خرج و تباه کرد، انتقادات دلسوزانه صاحبانظران پیرامون نحوه خرج پول حاصل از نفت را نباید مغرضانه و دستکم گرفت.

• نتیجه گیری از این بحث مختصر اینست:

در پایتخت کشوری که از یکطرف میزان نرخ تورم ده - پانزده درصد اعلام میشود و از طرف دیگر واکسی دوره گرد هزینه واکس یک جفت کفش را ظرف یکماه از ۳٫۰۰۰ ریال به ۵٫۰۰۰ ریال افزایش میدهد، تاکسی آژانس برای کرایه راهی که ۲۰٫۰۰۰ تا ۲۵٫۰۰۰ ریال میگرفته ۴۰٫۰۰۰ ریال مطالبه میکند، برنج کیلویی ۲۱٫۰۰۰ ریال به ۲۷٫۰۰۰ ریال صعود مینماید، آپارتمان متر مربعی از سه میلیون تومان به بالا فروخته میشود، هزینه درمان و بیمارستان از .....؟؟ چگونه میتوان از دوام و مطمئن بودن پایه های حکومتی صحبت کرد که بجای مهار کردن قیمتها و آرام کردن تشویش اذهان میخواید به اصلاحات اساسی (ایرانی و جهانی) دست بزنند و راه رسیدن به این هدفها را هم غلیظ کردن رنگ و لعاب تبلیغات و تکرار تظاهرات خیابانی تعیین نموده است؟

تبلیغات بی محتوا ممکن است به اصطلاح عوام مدتی ملتی را سر کار بگذارد، ولی سرانجام مشتتها باز و حقایق برملا میشود لذا بجاست مسئولان درجه بالا ضمن اندیشیدن به راه حلهای عاقلانه از خود بپرسند: بمناسبت پیروزیهای فرضی، راه انداختن راهپیماییهای نوجوانان - که حق و حقوق (مسلم) را در خیابانها تعیین نمایند - نشانه ای از شکست و عقب نشینی دشمن تلقی میشود یا طرف مبارزه ی ما آن حرکات و شعارهای تکراری را ناشی از عدم ثبات و ضعف هیات حاکمه خواهد شمرد؟

### انفجار فاجعه بار شیراز چه پیامی دارد؟

انفجار فاجعه بار حسینیه شیراز عارضه ای از یک بیماری اجتماعی دیگر ناشی از حکومت بسته، یکسونگر و انحصارگرای جمهوری اسلامی است که سرانجام عواقب خود را نشان داده است. اختلافات ناشی از برتری جویی و انحصارگری فرقه ای و مذهبی که جمهوری اسلامی در طی این سه دهه ایجاد و ترغیب کرده، و در طی سه سال گذشته به اوج ناپردی و خشونت گرایشی خود رسیده، میرود که زنجیره ای از عملیات تروریستی را نشان دهد. فاجعه دهشتناک شیراز فقط یک آغاز بود. بی احترامی به مذاهبها و باورهای دیگر با جلوگیری از فعالیت آزاد آنها و تخریب نیایشگاههای آنها، ایجاد محدودیتهای غیر قانونی و ضد حقوق بشری، زندانی کردن و کشتن رهبران مذهبی اقلیتها، جلوگیری از مشارکت برابر و سازنده همه شهروندان بدون خط کشی های عقیدتی، نارضایتی ها را انباشت میکند. وقتی نارضایتی ها از حد قابل تحمل گذشت، مدیریت آنها از دست خردمندان مسالمت جو خارج میشود و ستیزگران خشمگین بی منطق و خشونت گرا رهبری اعتراضات را بدست میگیرند و تروریسم جانشین اعتراض مدنی میشود. مهم نیست که این اعمال تروریستی و ضدبشری از فرقه گرایان درون حاکمیت سر بزنند یا از بیرون. در هر حال، مسائل آن به دست و پای حکومت میبچد و در نهایت حکومت را با خود فرو میکشد.

بیش از سیزده مورد انفجار بمب در اهواز در خرداد، شهریور و بهمن

• با دادن شعار آنکه در اداره امور کشور و نظارت بر حسن جریان کارها (( میزان رای ملت و در مجموع مجلس شورا است )) باز هم انتخابات نیمه کاره و صد در صد مغایر با نظر قانونگذار و مفاد قانون صورت گرفته و با حضور افراد از غربال و صافی گذشته ساخته شده است که انتخاب آنان با موازین (( عدالت، انصاف و اصول )) نسبتی نداشته و در واقع منتخبین شایستگی استفاده از نام وکیل و امین مردم را ندارند لذا قادر به انجام وظیفه مهمی نخواهند بود!

• مقامات درجه اول و مسئولان پائینتر که باید مجهز به تخصص و دانش مربوط و تجربه کاری لازم باشند، صرفا با در نظر گرفتن امتیازات وابستگی فامیلی و گروهی در راس پستها قرار می گیرند و پس از جابجائی در حوزه هیات حاکمه مورد پرسش و جوابگویی پیرامون خطاها و سوءاستفاده ها قرار نمی گیرند، اصولا گوئی مردم گرفتار اما هوشیار و آن عده از دانشوران منتقد، افراد نامحرم و خطرناک هستند که هیچگاه در تدوین برنامه ها و اطلاع از اخبار مهم مربوط به سرنوشت خود و فرزندانشان شرکت داده نمیشوند، لذا هیچگاه معلوم و روشن نمیشود که مسئول یا مسئولان اتلاف پول و عمر و حیثیت ملت ایران چه کسانی بوده اند؟ و در انجام وظایف معیار نیک و بد چیست؟

• هنگام مطرح بودن اشتباهات و خطاهای مسئولان بی دلیل بعنوان مقایسه سراغ پرونده رجال و خدمتگزاران صدیق و عاشق ایران که از دروازه های تاریخ به نیکنامی گذشته اند میروند و به زعم خود دنبال نقطه ضعف آنها میگردند، در حالیکه بفرض پیدا کردن نکته ای در گذشته ها، گناهان و سهل انگاریهای داخلی و جهانی امروز چگونه میتواند توجیه گردیده و آنگاه بخشوده بشوند؟! سیاستهای غلط دشمن ساز، از دست دادن امتیازات و حقوق تاریخی، کوتاهی در حفظ تمامیت ارضی، ایجاد تشدید کینه و نفرت جهانی را با کدام مقایسه میتوان موجه شمرد؟

• جالبتر اینکه عملا انجام اصلاحات و تامین حداقل زندگی ایرانی نجیب و شریف را به زمان اصلاح مدیریت جهانی ( لاید بوسیله خودشان! ) موکول مینمایند و این نظر مضحک را در بوقهای تبلیغاتی و رسانه ای قرار میدهند و به فریادهای عدالتخواهی و آزادی طلبی کمترین توجهی نمیکند و در این شرایط زندگی ایرانی است که گاه و بیگاه نوجوانان دانش آموز و عده ای مخصوص، برای کوبیدن مشت بر دهان استکبار جهانی برمیخیزند و راهپیمایی مینمایند و اندیشه نمیکند که مشت محکم آنان بر سر اقتصاد و اشتغال بحرانی خودمان فرود می آید یا دهان استکبار را خونین میکند؟!

۱۳۸۴، با دهها تلفات و صدها زخمی، سرآغاز موج جدیدی از ناآرامیهای تجزیه طلبانه ناراضیان مورد تبعیض مذهبی قرار گرفته در جنوب کشور بود. حمله افراد مسلح به اتوبوس کارکنان پتروشیمی ماهشهر، همانند روشی بود که بیشتر در مبارزه میان فلسطین و اسرائیل دیده شده بود.

موج خشونت در استان سیستان و بلوچستان، مانند جنایت خونبار حمله به اتوبوس غیرنظامیان در جاده زاهدان - زابل در ۱۳۸۴، که در آن ۲۲ نفر کشته شدند، حمله افراد مسلح به چهار خودرو و کشتن ۱۱ نفر در جاده کرمان - بم در سال ۱۳۸۵، حملات متعدد به خودروهای شخصی و غیرنظامی، انفجار چند بمب در شهر زاهدان، حمله خونین به اتوبوس بسیجیان در بهمین ۸۵، همگی نشان از این دارند که سیاست حذفی و مقابله به مثل خشونت بار فقط کشور را به ورطه سقوط در یک انفجار اجتماعی میکشاند.

آغاز سال ۸۷، نشان میدهد که سالی بسیار خونبارتر و درگیریهای مسلحانه بسیار بیشتر و پرتلفات تر خواهد بود. نهم فروردین ۸۷، به اتوبوس دانش آموزان حمله شد، و هنوز دوازدهم فروردین تمام نشده با فاجعه حسینییه شیراز روبرو شده ایم.

حکومت میتواند هر کس و هر گروه را که میخواهد متهم کند، متهمان را بگیرد، دست و پایشان را ببرد یا اعدام کند، ولی این اعمال تلافی جویانه نه تنها مسئله را حل نمیکند، بلکه دامنه خشم و نفرت و حس انتقام جویی را هم افزایش میدهد. اگر این حملات تروریستی که مسبب اصلی آن بی شک انحصار گرایی فرقه ای و تند خونی حکومت جمهوری اسلامی است، به سراسر کشور سرایت کند و دامنه آنها گسترده تر شود، این آقایان که میخواهند مدیریت جهان را عوض کنند، چگونه خواهند توانست کشور را اداره کنند؟

## شکایت

در ستون علمی خبرهای روزنامه ای آمده بود که دانشمندان اخیرا کشف کرده اند: (( پرندگان ساکن شهرهای بزرگ در مقایسه با چهل، پنجاه سال گذشته، با لحن غمناکتری میخوانند و برای جلب جفت یا همجنسان خود نیز خشن تر فریاد میکشند.....))

- در دنباله خبر مردم نکته سنج نیز اضافه میکنند علت این امر عبارت از اینست که مخلوقات خداوندی، از جنایتهای بشر طماع جنگ افروز، از تبدیل گشتن باغها و جنگلهای فرحبخش به آهن و سیمان، آلودگی نفس گیر و مرگ آفرین هوا، استفاده از غذاهای مانده و مسموم، آشیان پاشیدگی و بی خانمانی و ..... بدرگاه خالق هستی شکایت میبرند و از سنگینی گوشه‌های مسئولان در اثر آلودگیهای صوتی در شهرهای بزرگ نظیر تهران، ناله های جانسوز بلند سر میدهند و دریغا که از درد آشنای مسئولی پاسخ و وعده ای دریافت نمیکند.....

## انتصابات مجلس به پایان رسید.....

بار دیگر افرادی برای حضور در مجلس با نظارت دقیق استصوابی وزارت کشور و شورای نگهبان منصوب شدند و در سناریویی از پیش نوشته شده آوردن عده ای از مردم به پای صندوقهای اخذ رای به انجام رسید. جناحهای حاکمیت اصولگرایان و اصلاح طلبان بسیار تلاش کردند که تعداد آراء بهر نحو بیشتر باشد. بارها مردم شنیدند که رای دادن مهم است چون به نظام مشروعیت میبخشد. دستگاههای تبلیغاتی چندین کانال تلویزیونی روزنامه های در کنترل دولت ( همه روزنامه هائی که مجاز به انتشار هستند ) در روز اخذ رای مژده از حضور اکثریت بزرگی از ملت ایران در کنار صندوقهای رای دادند و عکاسان و فیلمبرداران و خبرنگاران چه زحمتها که نکشیدند تا آن روز را روزی باشکوه نشان دهند. ولی مردم نه در رای دادن انگیزه ای داشتند و نه انتظاری برای اعلام نتایجی که از مدتها قبل قابل پیش بینی بود. انتخاب روز بیست و چهارم اسفند و روزهای بعد که مردم سرگرم مقدمات نوروز بودند و تعطیل بیش از دو هفته روزنامه ها هم موجب شد موضوع انتخابات در محیطی سرد بسرعت تازگی خبری خود را هم از دست بدهد و بی اعتنائی فزونتتر مردم را برانگیزد. در اینجا مقصود تفسیر و یا تحلیل این سناریوی موسوم به انتخابات نیست بلکه فقط توجه شما را به چند نمونه از آمار انتخابات در تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر جلب میکنیم.

آمار شرکت کنندگان در مرکز سیاسی کشور ایران نشان دهنده انتخابات سراسر کشور است.

آمار رسمی واجدین شرکت در انتخابات تهران، ری، شمیران و اسلامشهر از سوی وزارت کشور ۶۰۰۰۰۰۰ نفر اعلام گردید. ستاد انتخابات وزارت کشور میزان آراء ریخته شده به صندوقها را ۶۲۰۹۰۹۰۹ رای اعلام کردند که تعدادی باطل بود و آراء محاسبه شده ۹۴۱۰۹۴۰ رای بوده است ( این تعداد رای مورد اعتراض اصلاح طلبان قرار گرفت و گفتند مدارکی دارند که عده زیادی را با اتوبوسها از محلی به محل دیگر برده و چندین بار رای داده اند - الله و اعلم ). با محاسبه ای ساده تعداد افرادی که در تهران به پای صندوقهای اخذ رای رفته اند ۲۶٪ کل واجدین شرکت در انتخابات تهران و ری و غیره بوده است. در آمار وزارت کشور تعداد جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله شرکت کننده در انتخابات تهران را ۱۸٪ جوانان تهران اعلام نموده اند. آیا به قدرت نشستگان تصویری دیگر داشتند؟ آیا اعداد و ارقام اعلام شده بیانگر مشروعیت است؟